

گرچه خود واقعه و خود این افرادی که شهید شده‌اند در نظر همه ما عزیز و ارجمندند و آقای رجایی و آقای باهنر هر دو شهیدی که باهم در جبهه‌های نبرد با قدرت‌های فاسد هم جنگ و هم‌رزم بودند و مرحوم شهید رجایی به من گفتند که من بیست سال است که با آقای باهنر همراه بوده‌ام و خداوند خواست که باهم از دنیا هجرت کنند و به سوی او هجرت کنند.

من در عین حال که شهادت این دو بزرگوار برای من بسیار مشکل است، در عین حال، می‌دانم که آنها به رفیق اعلی متصل شده‌اند و برای آنها آرامش هست و این طور گرفتاری‌هایی که الآن برای ما هست، دیگر برای آنها نیست و آنها رسیدند به مطلوب خودشان و از این جهت، به آنها و به خانواده‌های آنها و ملت اسلامی تبریک عرض می‌کنم که چنین شهدایی تقدیم می‌کنند. در عین حالی که مصایب اینها مشکل است برای ما، لکن کشور ما و ملت ما با تمام قدرت ایستاده‌اند تا همچو شهدایی تقدیم کنند و هیچ راه عقب نشینی ندارند و فکر نمی‌کنند به سستی. آن کوردلانی که گمان کرده‌اند که جمهوری اسلامی بانیو چند نفر از بین خواهد رفت و سقوط خواهد کرد، آنها افکارشان، افکار اسلامی نیست و از اسلام خبری ندارند و از ایمان اطلاعی ندارند و افکارشان، افکار مادی [است] و برای دنیا کار می‌کنند و به هوای دنیا هستند.

جمهوری اسلامی ما وضعی دارد که خود ملت یک فردی را می‌آورند و خود ملت یک فردی را کنار می‌گذارند و خود ملت [اگر] فردی شهید شد، به جای او باز یکی را انتخاب می‌کنند و خود را از دولت می‌دانند و دولت را از خود می‌دانند و خود را از رئیس جمهور مکتبی می‌دانند و رئیس جمهور مکتبی را از خود می‌دانند. از این جهت، ولو اینکه رئیس جمهور شهید بشود، نخست وزیر شهید بشود و هر مقامی شهید بشود ملت ما هیچ خم به ابرو نمی‌آورد و کسان دیگر را به جای آنها انتخاب می‌کنند.

بارفتن شهدایی با اینکه بسیار ارزشمند، بسیار ارزشمند بودند و هستند، بارفتن شهدا، در عین حال که ما متأثر هستیم، لکن چون ما توجه‌مان به خداست و برای خداست و ملت ما برای خدا قیام کرده است، بارفتن اشخاص، هیچ سستی به خودشان راه نمی‌دهند و گرفتار این خطا نیستند که افراد یک مسأله‌ای را ایجاد می‌کنند. و گمان نکنید که اینها از روی قدرت یک همچو کارهایی را انجام می‌دهند، یک بمب در یکجا منفجر کردن، یک بچه دوازده ساله هم می‌تواند او را بگیرد یک جایی بگذارد و خود او منفجر بشود. این قدرتی نیست، این کمال ضعف است. من این ملجم را از اینها مردتر می‌دانم؛ برای اینکه او آمد در حضور مردم، کار خودش را کرد و خداوند او را لعنت کند و اینها آن مردانگی آن نامرد را هم ندارند و به طور دزدی یک کاری انجام می‌دهند و خودشان را اصلاً ظاهر نمی‌کنند. من آن عباس آقا که صدراعظم ایران را در نزدیک مجلس با هفت تیر زد در حضور همه و خودش را بعد هم دید گرفتار می‌شود، کشت؛ او را مردم می‌دانم و اینها را نامرد. اینهایی که از اینجا فرار کردند و از خارج دستور می‌دهند که مردم را اغتیل کنند و به طور دزدکی بکشند، اینها تر نامرد هستند. ملت ما از این شهادت‌ها بسیار دیده است و در این چند سال اخیر، صدها شهید داده و هزاران شهید و هزاران معلول و پایدار ایستاده است و امثال این آقایان که شهید شده‌اند، در عین حال که در نظر ما بسیار ارجمند هستند، لکن آنها پیش خدا رفتند و ما به جای آنها، اشخاصی داریم مکتبی؛ انسان‌هایی که به شهادت فکر می‌کنند و دواطلب شهادت هستند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



امید امام خمینی (ره)

مفید برای جامعه بودند. آنچه موجب تسلی است این است که کار برای خدا است و چیزی که برای خدا است محفوظ است. امید است راهی که آنها رفتند ما هم برویم.»

امام خمینی در دیدار با اقشار مختلف مردم در حسینیه جماران، در سوگ شهیدان رجایی و باهنر، چنین بیان داشتند:

بسم الله الرحمن الرحيم
منطق ملت ما، منطق مؤمنین، منطق قرآن است: **إِنَّا لِلّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**. با این منطق، هیچ قدرتی نمی‌تواند مقابله کند. جمعیتی که. ملتی که. خود را از خدا می‌دانند و همه چیز خود را از خدا می‌دانند و رفتن از اینجا را به سوی محبوب خود، مطلوب خود می‌دانند، با این ملت نمی‌تواند مقابله کنند. آنکه شهادت را در آغوش، همچون عزیزی می‌پذیرد، آن کوردلان نمی‌توانند مقابله کنند. اینها یک اشتباه دارند و آن اینکه شناخت از اسلام و شناخت از ایمان و شناخت از ملت اسلامی ما ندارند. آنها گمان می‌کنند که با ترور شخصیت‌ها، ترور اشخاص، می‌توانند با این ملت مقابله کنند و ندیدند و کور بودند که ببینند که در هر موقعی که ما شهید دادیم ملت ما منسجم‌تر شد.

در تاریخ پرفراز و نشیب انقلاب اسلامی همواره شخصیت‌ها و رجال سیاسی مسلمانی بودند که به قله‌های بلندمرتبه فضیلت و تقوا دست یافتند، در مکتب امام خمینی به عنوان یک عارف وارسته و رهبر جهان تشیع پرورش یافتگانی حضور دارند که رابطه آنها مشابه ارتباط شخصیت‌های برجسته تاریخی با ائمه اطهار است، شهید محمدعلی رجایی فرزند انقلاب و نمود عینی از پیرو ولایت بود، او در شرایطی حکم ریاست جمهوری را پذیرفت که نخست‌وزیر لیبرال پذیرش وی را نداشت و بارها رجایی را آماج بی‌حرمتی و تهمت قرار داده بود، پذیرش این حکم به معنای تقابل با بنی صدر برای نیل به اهداف انقلاب بود و فرزند این انقلاب بخوبی می‌دانست که امام چشم امیدش بعد از خدا به اوست، ارتباط امام با شهید رجایی ارتباطی پیچیده، زیبا و فراتوصیف است که سخنرانی‌های امام بعد از شهادت ایشان یا از زبان نزدیکان به بیت جماران آن را تبیین و آشکار می‌کند:

امام خمینی در دیدار با خانواده‌های شهیدان باهنر و رجایی چنین بیان داشتند: «من نمی‌دانم من به شما تسلیت بگویم یا شما به من. این آقایان متعهد به اسلام و

آخرین عکس یادگاری

حاج‌رضا فراهانی می‌گوید: حدود ۱۰ روز قبل از شهادت آقای رجایی، روزی که او به دیدار امام راحل آمده بودند بعد از اینکه دیدارشان به پایان رسید و از اتاق امام بیرون آمده و وارد دفتر شدند، آقای امام جمارانی به او گفت: آقای رجایی امکان اینکه ترور شوم هست، اگر اجازه بدهید با شما یک عکس یادگاری بگیرم. آقای رجایی با خنده گفت: کسی چه می‌داند، شاید این بار نوبت من باشد و من شهید شوم! خلاصه آقای امام جمارانی، آقای سلیمی (که شهید شد)، آقای مسیح بروجردی و من و یکی دو نفر دیگر که نامشان خاطر من نیست روی ایوان مشرف به دفتر رفتیم و در کنار آقای رجایی عکس گرفتیم. آن روز نمی‌دانستیم که چند روز دیگر آقای رجایی شهید می‌شوند. یادم هست روزی که امام خمینی (ره) حکم رئیس جمهور را به آقای رجایی دادند، گفتند که شاید شما فقط چند ماه افتخار خدمت به ملت را داشته باشید (نقل به مضمون). امام این



پیش‌بینی را کرده بودند که منافقان کوردل آقای رجایی را به شهادت برسانند که پیش‌بینی ایشان درست از کار درآمد. لحظه‌ای که خبر شهادت آقای رجایی را به امام (ره) دادند من حضور نداشتم، اما بعدش که رسیدم امام را دیدم که بشدت متأثر و عصبانی بودند. این عصبانیت را یک بار دیگر در امام دیدم آن هم زمانی بود که زائران ایرانی خانه خدا در مکه کشته شدند. امام خمینی (ره) علاقه زیادی به شهید رجایی داشتند و او را انسان عالم و متواضع می‌دانستند. مردمی انقلابی که همه حواسش خدمت به ملت بود، اما منافقان نگذاشتند او اهدافش را اجرایی کند.